

تت

کودکان زلزلہ سرپل ذہاب

حمید فتحی. فعال اجتماعی

- کودکان نیز مانند بقیه اقشار جامعه، سنجیده فشارهای اجتماعی را بر دوش خود احساس می‌کنند. آنها در معرض انواع و اقسام آسیب‌ها، خشونت، تضاد و از خودبیگانگی‌های اجتماعی هستند. برای بسیاری از کودکان، محل تولد و خانواده‌ای که در آن بزرگ می‌شوند، حق و حقوق و فرصت‌هایشان را تعیین می‌کند. قبول کردن این واقعیت تلخ و سرسخت که به دلیل فقر و تنگدستی پرومادر می‌باید از آموزش، درمان، بازی و شادی بی‌استه و شایسته محروم شد، برایشان دشوار است. از طرف دیگر اشخاص و گروه‌های سوءاستفاده‌جو و استثمارگر همواره به جسم و جان کودکان چشم طمع دوخته‌اند. خشونت علیه کودکان از دیگر مسائل جامعه است. کودکان به دلیل ضعف جسمانی و کم‌تجربگی‌شان، ناامنی و همچنین زندگی در جامعه بی‌قانونی در ناآرام‌ترین سطح زندگی در سلسله‌مراتب اجتماع قرار دارند و از قربانیان بی‌دفاع و بی‌سروصدای خشونت به‌شمار می‌آیند؛ مواقعی که این خشونت در چارچوب خانه و ازسوی نزدیکان اتفاق می‌افتد، شرایط را برای کودکان که پناه دیگری از خانواده ندارند، به‌مراتب سخت‌تر و غیرقابل‌تحمل‌تر خواهد کرد.

بدیهی است که کودکان از آسیب‌پذیرترین بخش‌های جامعه، چه در هنگام جنگ و چه در هنگام اتفاقات طبیعی از جمله زلزله هستند. بچه‌ها به‌دلیل زودرس بودن تجربه زلزله و کم‌تجربگی‌شان متحمل لطمات جدای می‌شوند. در چنین وضعیتی اولین اقدام لازم، تلاش برای خارج کردن وحشت و هراس ناشی از زلزله از ذهن کودک است. به‌هم‌خوردن اوضاع و احوال اجتماعی تهدیدات و کم‌بودهای بسیاری را برای کودکان به‌همراه دارد. اشتغال‌پارک‌ها از طریق اسکان موقت زلزله‌زدگان و نبود مکان‌های تفریحی، شهرسازی و زمین‌های ورزشی برای کودکان-نوجوانان و جوانان به‌منظور بازسازی روحی و روانی از یک سو، و کوچک‌شدن فضای زندگی داخل چادر و کانکس و بیرون‌زدن بچه‌ها از این فضای تنگ و ناشناخته‌سوی دیگر، ضرورت ایجاد فضاهای امن و مناسب برای جمع‌شدن کودکان و پرداختن به بازی، شادی و آموزش را ایجاد می‌کند. از این موقعیت حتی می‌توان برای دادن آموزش‌های مختلف زیست‌محیطی، کتاب‌خوانی، صنایع دستی، موسیقی و بازی‌های جمعی و غیرقربانی بهره‌گرفت. چنین فرصتی این امکان را به کودکان می‌دهد که به‌جای سرگردانی در فضای ناخوشایند و آلوده کوچه‌های مملو از کانکس و چادر، ساعتی به دور از ترس و استرس درون خانواده، میان هم‌سن و سالان و مربیان و بازی و آموزش بپردازند. فضای محلات سطح شهر ریزه‌دنها علاوه بر گرمای طاقت‌فرسا، به‌دلیل وجود نخاله‌های ساختمانی، زباله‌های دورریخته‌شده، فاضلاب‌های روباز و آب‌های سطحی مکان بسیار نامناسب و خطرناکی برای کودکان به‌شمار می‌آید. بیماری‌های کودکانی، پوستی، عفونی، سالتک، وبا، مازک‌زدگی، مازک‌زدگی و عقرب‌زدگی ازجمله خطراتی است که در کمین کودکان و حتی بزرگسالان قرار دارد. بزرگسالانی که خودشان هم بر اثر تبعات زلزله دچار آسیب‌های مادی و روانی شده‌اند. اغلب آنها نه فرصت رسیدگی به بچه‌هایشان را دارند و نه تمرکز و آرامش چنین کاری را دارند.

ادامه در صفحه ۱۳



عکس: رنوفہ رستمی

روایت زنی که شغلش پرورش شتر است

حکیمہ تو می تونی

شهرزاد ہمتی

خواستن و توانستن است. زن قدیلند و بارداره و خدانی که روزها و شب‌هایش به سختی در دامداری می‌گذرد، اما از بوی کود و ماندگی کلایه نمی‌کند و می‌گوید: آینده روشن‌تر است، می‌دانم. حالا حکیمه را روایتگر قصه خود شتر است، زنی که امروز تنها به شغال‌فروستی خرخر است، درباره خودش این‌گونه روایت می‌کند: «تازه ۲۹ ساله شدم، هنوز بچه ندارم و حالا بچه‌های من همین شترها هستند. حالا شش سال است که ازدواج کرده‌ام، برای من ازدواج در ۲۳ سالگی اتفاق خوبی بود، چون دخترهای روستاهای این طرف و آن طرف ۱۲ سالگی راهی خانه‌های می‌شوند. البته وضعیت روستا ما به‌رابط بهتر از روستاهای اطراف است... بعد همان‌طور که به شتر تازه به دنیاآمده رسیدگی می‌کنند، ادامه می‌دهد؛ ۹ ساله بودم که پدرم فوت کرد، شغل آب و اجدادی‌اش هم پرورش شتر بود. وقتی پدرم فوت کرد، برادرهایم شترها را فروخته و هتقی بشت نامش تمام شد، بعد از مدتی ما درم و خانواده با وام و با شترهای ارث و میراث پدری چند شتر خریدند و برادرهایم هم شتر خریدند و من شدم کارگر آنها... بعد با خنده می‌گوید: البته کارگر بی‌چیره و مواجب... آن‌قدر با شغل این کارکردن که فقط می‌خواستم کنار شترها باشم، این کارگری بودم تا ازدواج من طول کشید، شوهرم می‌دانست چقدر به شتر علاقه دارم، به او گفتم آرزویم شترداری است، خودش هم می‌دانست، چون وقتی عروسی کردم و به تبریز رفتم نتوانستم دوام بیاورم، هر روز می‌آمدم روستا و با شترهای برادر خودم را سرگرد می‌کردم... حکیمه می‌گوید: شاید باورت نشود اگر بگویم که با ازدواج خودم و همسرم دوتا شتر خریدیم، هر شتر را یک میلیون‌نیم خریدیم و یکی از شترها را کشتار کردم و یکی دیگر را به خواهرم فروختم... توی تمام این سال‌ها فقط صدای همسرم بود که توی گوشم مانده بود، دمام حرف شوهرم را تکرار می‌کنم که می‌گوید: حکیمه! توی تونی.

حکیمه همه حواشی‌ش پیش شترهاست، یکی از آنها را بشانم می‌دهد و می‌گوید: این اسبش سفید

زندگی حکیمه است، زنی که باور کرد می تواند شغل پدرش را با قدرت او ادامه دهد.

روستای خرخر بر اثر زمین های خاکی است و تا چشمر کام می کند زمین های راهشده دارد... سرسبز نیست، در گوشه و کنار روستا می شود زنان را دید که با چادرهای رنگی و زری دوزی شده، در کوچه نشسته اند و با هم حرف می زنند. ساعت از سه بعد از ظهر گذشته که به خرخر می رسیم... از معدود آدم های داخل خیابان سراغ آدامداری ناصری را می گیریم، همه منتظر القول انتهای خیابان را نشانمان می دهند. شفا بزرگی، دوشنبی و تعطیل که رویش بزرگ نوشته شده: آدامداری برادران ناصری، روی تابلو می شود. انواع محصولات تولیدی آدامداری را از شیر شتر تا گوشت و کوهان و روغن پیدا کرد. فرض می کنیم به این دلیل نام مغازه برادران ناصری است که اینجا کارکردن و زدن نام زن ها درست نیست، اما اشتباه می کنیم، اینجا واقعا مغازه برادران ناصری است، اما آدام ها رجوع می دهند و وقتی سراغ آدامداری حکیمه را می خواهیم، آدرس مغازه برادرش را بدهند. بعد از تماس های مکرر بالاخره خودش همراه همسرش سراغمان می آید و وارد آدامداری او می شویم.

یک سال می شود زمین آدامداری را خریده اند. می گوید: «دارم می نادریم، فروخریم، شوهرم کارش تابلوفرش بود، به خاطر اینکه می دانستم من عاشق سترم، تابلوهاش را فروخت و پول پیش خانه را هم برداشتم و زمین را خریدیم و بقیه پول را هم دریم به کار، اما حالا خانه نداریم و زندگی مان داخل کانکس می گذرد. کانکس انتهای زمین را نشان می دهد و می گوید: این هنوز برق نمی ندارد... این همه از ما گرفته اند، محض رضای خدا حتی برق هم نداریم... می پرسم که بدون برق توی کانکس چه می کند و می گوید: با نور کوشی تلفن همراه کانکس را روشن می کنیم و روی چراغ خوراک پزی آشپزی می کنیم. برای خواب و نظافت گاهی می به خانه مادرم می روم و همسرم، تفریق میهمان مادرش می رود می شود.

روایت حکیمه، همان روایت همسنگی اما واقعی

		l				Δ	
6		Λ			υ		l
9			6				
μ		υ			9		
κ	Λ			μ		9	υ
			υ			κ	μ
					μ		κ
υ			9			μ	γ
	Δ					6	

سودو کو سخت ۲۰۹۲

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

های حل جدول سودوکو:

- ۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
- ۲- در هر مربع 3×3 اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

୩		୬		୪				
୧			ୱ				୪	
ୱ				୩	୬	୧	୧	
			୪		୩		ୱ	୧
				୩				
୮	୩		୧		୧			
	୪	୧	୧	୬				ୱ
	୧				ୱ			୧
				୧		୧		୩

سودو کو سادہ ۲۰۹۲

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودو وکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عدد‌های بی تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

[illegible]

حل سود و کو سخت

۳۰۹۵

۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

ل و ه ر س ا ف ج ی

15	14
5	1

۲	ی	ا	ب	ن	ک	ج	ا	ر	و	ا	ی	و	ا	و
۳	ا	ز	د	ک	ی	ا	ر	و	ا	و	ا	و	ا	و
۴	ا	ز	د	ک	ی	ا	ر	و	ا	و	ا	و	ا	و
۵	ا	ز	د	ک	ی	ا	ر	و	ا	و	ا	و	ا	و
۶	ر	م	ی	ن	ا	ن	ا	ن	ا	ن	ا	ن	ا	ن
۷	ا	ز	د	ک	ی	ا	ر	و	ا	و	ا	و	ا	و
۸	ا	ز	د	ک	ی	ا	ر	و	ا	و	ا	و	ا	و
۹	ا	ز	د	ک	ی	ا	ر	و	ا	و	ا	و	ا	و
۱۰	ب	ا	ز	ی	ا	ز	ی	ا	ز	ی	ا	ز	ی	ا
۱۱	ا	ز	د	ک	ی	ا	ر	و	ا	و	ا	و	ا	و
۱۲	ا	ز	د	ک	ی	ا	ر	و	ا	و	ا	و	ا	و
۱۳	ا	ز	د	ک	ی	ا	ر	و	ا	و	ا	و	ا	و
۱۴	ا	ز	د	ک	ی	ا	ر	و	ا	و	ا	و	ا	و

۱۳- تابناک- بشارت دهنده- بخش‌ها
۱۴- مخفف اگر- از خواهان برون‌ته- رسم کردن ۱۵-
مجموعه نغمات یک دستگاه موسیقی- نوعی شیرینی
اکائویی- زبان ترکی.

غیرطبیعی- پرنده‌ای با پرهای رنگارنگ و ریا ۱۰- عامل سازگاری یا ناسازگاری خونی- همسایه لیبی و الجزایر- همسر حضرت یعقوب (ع) ۱۱- لقب اروپایی- زن شوه‌ر مرده- عاقل ۱۲- خلا- دیوار گرداگرد شهر-

قی:

[illegible]

- ۱- نیمه‌شعبان ولادت این امام همام را در دل خود به یادگار دارد- چرخ تولید را می چرخاند -
- ۲- عبورکردن- شهری در خوزستان- اندیشه ۳- اشاره به زئیک- شمشیر-ن- اصلاح عیس پس از ظهور ۴- شریفت- یک سوگواری- کشف‌کننده -۵- پول زاپنی‌ها- پشت‌گرم- روشن‌دل ۶- از ارتفاعات کرمانشاه- بایگانی- پایتخت ایتالیا ۷- نوازنده جیل- زیر نمرات- ورزشگاه منهور انگلستان ۸- خوری ۹- معادل فارسی استیشن- ضربه شدید روانی ۱۰- جهان معنی- ضربه‌ای بر صورت- بی نظیر ۱۱- از خواهران برنشته- ترتیب- دیوار ۱۲- الکل چوب- دزد، سارق- داخل ۱۳- سراسر بزرگ ورودی- چهره- رشته باریک و دراز ۱۴- نوعی طلاق در را به چارچوب منتقل می‌کند- جنازه ۱۵- صدای بلند- همسایه بزرگ و پراگنده- ۱۵- کد پایتخت گرجستان- کتابی از متفکر شهیدمرتضی مطهری.

مودی:

۱- پیش‌وفندی معادل میلیون- کنایه از مهارت و قدرت است- فرگشتی زبان ۲- سخنان بیمار- تبادر- برچسب قیمت- سکه بازی ۳- نخستین نشریه بانوان ایران- کتف- نوعی عارضه پوستی ۴- زمین آذری- فال می‌گیرد- اسباب و لوازم ۵- از اوراق بهادار- نوعی پارچه از الیاف گیاهی- هشتادامین سوره قرآن ۶- صفت اندوه و افسوس- کشور نیشکر- آقای فرانسوی ۷- سکه‌های لازم شاهعباس- فرستاده‌شده- ۸- به اندازه زامان ۹- آمون- هر داری نرنگندم مزاج ۱۰- حیوان وحشی-